



کنند و طبق مقررات قانون اساسی دولت را استیضاح کنند و از کار بیندازند و نقشه این بود که یکی از مخالفین دولت را برای نظارت در کار اسکناس انتخاب کنند و او که به بانک ملی رفته، گزارشی بر علیه دولت بدهد و ثابت کند که دولت برخلاف قانون ۳۰۰ میلیون تومان از نشر اسکناس سوءاستفاده نموده است و چون دولت آن نماینده را برای اجرای قانون در بانک دعوت ننمود، دولت را استیضاح کردند و دولت نگرانی نداشت که در نتیجه‌ی استیضاح حیثیتش از دست برود. چون که متجاوز از ۲۵۰ میلیون از این وجه برای اجرت کارگران معادن نفت به کار رفته بود و دولت نمی‌توانست به علت نبودن عواید نفت آن‌ها را گرسنه بگذارد که اغتشاش کنند و مخالفین بگویند ملت ایران قادر نیست معادن خود را اداره نماید و بقیه‌ی وجه مزبور هم صرف مخارجی از همین قبیل شده بود. نگرانی از این جهت بود که دولت را استیضاح کنند و هدف ملت ایران از بین برود. این بود که طبق یکی از مواد آیین‌نامه‌ی مجلس تصمیم گرفتیم مدت یک ماه در جواب استیضاح تاخیر شود و در مجلس حاضر نشویم و چون این کار نتیجه‌ی قطعی نداشت و بعد از یک ماه باز دولت می‌بایست در مجلس حاضر و عزل شود، چنین به نظر رسید که تکلیف دولت را ملت ایران به‌وسیله‌ی رفتارندوم معلوم کند. اگر ملت با بقای دولت موافق نبود به ابقای مجلس رای بدهد و دولت از کار خارج شود. نظر به این که توسل به رفتارندوم نقشه‌ی را که بر علیه دولت ترسیم شده بود، خنثی می‌کرد، رییس مجلس نزد من آمد و تقاضا نمود از این کار صرف نظر کنم و من هیچ جوابی نداشتیم غیر از این که بگویم به مجلسی که از خود فکری ندارد، هرگز نمی‌روم. چنانچه بروم گذشته از این که باید جواب استیضاح را بدهم و عزل شوم، هدف ملت ایران را هم باید از مجلس به‌خانه‌ی خود ببرم و در آنجا با خود دفن کنم و چون مذاکرات به نتیجه نرسید، رییس مجلس رفت و بلافاصله دستور اجرای رفتارندوم داده شد و همه دیدند که ملت ایران با چه اکثریت قریب به اتفاقی دولت را تثبیت کرد.

نظر به این که راه دیگری برای عزل دولت نبود، به دست‌خط شاهنشاه متوسل شدند که این جانب حاضر شدم از همه چیز خود بگذرم و در راه آزادی و استقلال وطن عزیزم از هرگونه فداکاری خودداری نکنم.

اکنون بسیار خوش‌وقتیم که این فداکاری بی‌اثر نبود و شما جوانان و جمعیت‌های وطن‌پرست در راه آزادی و استقلال ایران از هرگونه فداکاری دریغ ننموده و از همه چیز خود گذشته‌اید، برای این که هدف ملت ایران را حفظ کنید؛ ولی باید دانست که با اساسنامه‌ی فعلی این هدف روزبه‌روز ضعیف‌تر می‌شود تا کار به جایی رسد که آن را فراموش کنند و از آن جز اسم چیزی باقی نگذارند.

و اما این که مرقوم فرموده‌اید نظریات خود را درباره‌ی تشکیلات و نحوه‌ی مبارزات عرض کنم.

راجع به تشکیلات چون از حدود مطالعه خارج نیست، می‌توانم نظریاتی بدهم، ولی راجع به نحوه‌ی مبارزات از این جانب که در زندان به سر می‌برم کاری ساخته نیست، چون که مبارزه هر آن به‌صورتی درمی‌آید که رهبری جبهه باید تجدیدنظر کند و آنی غفلت ننماید و تعیین نحوه‌ی مبارزه از وظایف هیات اجراییه و آن کسی است که برای رهبری انتخاب می‌شود.

اکنون اجازه می‌خواهم که عرض کنم شما دانشجویان عزیز جزئی از افراد مملکت‌آید و نمی‌توانید به تنهایی کار مفیدی انجام دهید، مگر این که با سایر تشکیلات مملکتی همکاری کنید و این کار با اساس‌نامه‌ی که برای جبهه‌ی ملی تنظیم شده به هیچ وجه صورت نخواهد گرفت.

اساس‌نامه باید طوری تنظیم شود که هر حزب و جمعیت و دسته‌ی که صاحب تشکیلاتند بتوانند با انتخاب یک یا چند نماینده وارد جبهه شوند، در تصمیمات جبهه‌ی ملی شرکت کنند و نمایندگان مزبور نظریات جبهه را به اطلاع موکلین خود برسانند و انجام آن را بخواهند.

هر حزب و هر اجتماع برای خود مرامی دارد و هیچ‌وقت حاضر نمی‌شود از مرام خود دست بکشد و تشکیلات خود را منحل نماید. صلاح جبهه‌ی ملی هم در این است که کاری به مرام دیگران نداشته باشد، فقط اجرای مرام خود را تامین نماید. بنابراین تعریفی که می‌توان از جبهه‌ی ملی نمود، این است: «جبهه‌ی ملی مرکز احزاب، اجتماعات و دستجاتی است که برای خود تشکیلاتی دارند و مرامی جز آزادی و استقلال ایران ندارند». این مرام چیزی نیست که یک عده‌ی قلیل و هر قدر صاحب‌فکر بتوانند در مملکت آن را اجرا نمایند. بلکه مجری این مرام باید ملت ایران باشد. گذاردن یک عده‌ی در خارج و عدم پذیرش آن به هر عنوان که باشد، برخلاف مصالح مملکت است.

اکنون نظریات خود را برای تشکیل یک جبهه‌ی ملی عرض می‌کنم و تمنا دارم هرگونه اصلاحاتی که لازم است و از نظر این جانب دور مانده در آن بفرمایید.

۱- برای تشکیل جبهه یک هیات موسس لازم است که در یک جلسه حاضر شوند و از هر یک از احزاب، اجتماعات و دستجات تشکیلاتی دارد، تقاضا کنند که برای تشکیل جبهه دو یا سه نفر از اعضای خود را انتخاب کنند و به هیات موسس معرفی نمایند.

۲- نمایندگان احزاب، اجتماعات و دستجات جبهه‌ی ملی را برای مدت یک‌سال تشکیل می‌دهند و چنانچه فردی از افراد جبهه، راجع به صلاحیت یکی از اعضا اعتراض کند جبهه‌ی ملی با رای مخفی و اکثریت آرا اظهار نظر می‌کند و این اعتراض ممکن است، در تمام مدت سال داده شود و به شرحی که گذشت، به موقع اجرا درآید.

۳- جبهه‌ی ملی هیات را به نام هیات اجرایی از خارج جبهه، به رای مخفی و به اکثریت آرا انتخاب می‌کند که تصمیمات جبهه را به موقع اجرا گذارند و هیات مزبور نیز یک نفر را از بین خود برای اجرای تصمیمات خود انتخاب خواهد نمود.

در خاتمه لازم است عرض کنم از هیات موسس یک یا دو نفر که مورد اعتماد باشند دعوت کنند. این دعوت شدگان هر قدر بیش‌تر مورد اعتماد جامعه باشند ملت ایران به جبهه‌ی بیش‌تری معتقد می‌شود و سبب خواهد شد که ملت ایران در تحصیل آزادی و استقلال دچار مشکلاتی نشود و آن را هرچه زودتر به دست آورد.

این بود نظریات این هم‌وطن گرفتار شما که به استحضار رسید، دیگر چیزی ندارم که عرض کنم جز این که توفیق شما جوانان از خود گذشته و دوستان عزیزم را از خدا بخواهم.

دکتر محمد مصدق